از بالای سرشان
و از زیر قدم هایشان

۳

چگونه یک زندگیِ خوب داشته باشیم ؟

استاد علیرضا پناهیان

بسم الله الرحمن الرحیم

مردم مشغول زندگی هستند و درگیری ذهنی اکثر مردم، زندگی است؛ بیایید به طرز تفکر مردم احترام بگذاریم و از همین زندگی شروع کنیم. بگوییم شما چه می‌خواهی؟ می‌گوید: من زندگی‌ام را می‌خواهم. بعد بگوییم: آیا می‌خواهی زندگی‌ات بهتر بشود؟ یقیناً می‌گوید: بله. بعد بگوییم: بیا فکر کنیم چگونه می‌توان زندگی را بهتر کرد؟ حالا چه با دین چه بدون دین.

شناسنامه

- موضوع : تنها مسیر برای زندگی بهتر
- سخنران : حجه الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان
- زمان : رمضان ۱۳۹۴ / تهران مسجد امام صادق
- تعداد کل جلسات : ۲۷
- شماره جزوه : ۳
- مرکز تولید و توزیع جزوات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
- دریافت جزوات دیگر : Jozveh88.blog.ir

متدینین بیش از دیگران باید به دنبال زندگی بهتر باشند

موضوع بحث ما رابطهٔ دین و زندگی نیست، ما نمی‌خواهیم ببینیم که چگونه هم دین‌داری کنیم و هم زندگی کنیم؟ و ما نمی‌خواهیم ابتدائاً به این بپردازیم که چگونه از طریق دین، زندگی خودمان را بهبود ببخشیم و بهتر کنیم؟ نمی‌خواهیم ابتدائاً به این بحث بپردازیم که دین نگاهش نسبت به زندگیِ بهتر چیست و چه راه حل‌هایی را به ما در این زمینه ارائه می‌دهد؟ بلکه موضوع بحث ما این است که چگونه به زندگی بهتر برسیم؟ حالا چه با دین چه بدون دین، می‌خواهیم ببینیم که اساساً راه رسیدن به زندگی بهتر چیست؟

چرا سراغ زندگی بهتر را گرفته‌ایم؟ به دلیل اینکه انسان هستیم؛ به دلیل اینکه انسان موجودی است که نمی‌تواند زندگی خودش را بهبود نبخشد؛ انسان از یک سو، زندگی خودش را دوست دارد و این یک مسئلهٔ بسیار طبیعی است. و از سوی دیگر

۱

بعد از اینکه حداقل زندگی خودش را به دست آورد، به سراغ حداکثر زندگی می رود و زندگی خودش را مدام تغییر می‌دهد، مدام وضع زندگی خودش را بهتر خواهد کرد.

دین ما به این خواستهٔ انسانی ما برای بهبود زندگی، میدان داده است. دین دربارهٔ زندگی بهتر حرف‌هایی دارد که بخشی از این حرف ها را در آیات قرآن و در کلمات ائمهٔ معصومین(ع) بررسی خواهیم کرد تا ببینید اساساً دینداران، و اهل مرام معنوی اهل‌بیت(ع) بیشتر و بهتر از غیرمتدینین باید دنبال زندگی بهتر باشند. ما دلیل قرآنی می‌آوریم برای اینکه مؤمنین باید به اینجا برسند. آدم‌های غیردیندار در واقع به دنبال یک کیفیت‌هایی در زندگی هستند که لزوماً نمی شود اسمش را "زندگی بهتر" گذاشت.

از زمین و آسمان بر آنها می‌بارید و می‌خوردند

خداوند متعال می‌فرماید: وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ (مائده/۶۶) اگر مردمی کتاب‌هایی که از آسمان بر آنها نازل شده را اقامه می‌کردند، از آسمان و زمین برای‌شان می‌بارید و می‌خوردند.

دقت کنید که خداوند نمی‌فرماید "اگر اینها کتاب آسمانی خود را اقامه می‌کردند، خیلی نورانی می‌شدند!" یا نمی‌فرماید: "بعداً در بهشت و رضوان الهی جای خوبی به ایشان می‌دادم!" البته این موارد هم در جاهای دیگر قرآن هست، اما چون بعضی‌ها دچار سوءتفاهم هستند که وعده‌های قرآن همه اش برای قیامت است، در اینجا می‌خواهیم بگوییم: اگر می‌بینید در قرآن کریم از قیامت زیاد صحبت می شود به‌خاطر این است که مهم‌تر است و الا معنایش این نیست که دین‌داری، در دنیا هیچ فایده‌ای ندارد!

دنبال بهبود زندگی بودن، یک راه خدایی است

از آیه فوق معلوم می‌شود دارایی–و نه پُرخوری– به این حد که از آسمان و زمین برایت ببارد و بری و داشته باشی، این جایزهٔ دین‌داری است. کجا بشر تا حالا به یک‌چنین جایزه‌ای از طریق دیگری غیر از دین‌داری رسیده است؟! ما دنبال این زندگی هستیم که فرمود: لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ یعنی از آسمان و زمین چیزهایی که بشود خورد، دریافت کنیم. البته آیات دیگر قرآن هم در این زمینه هستند، منتها این‌قدر در ارتباط با امور معیشتی و خوردنی صراحت ندارند. مثلاً اینکه می‌فرماید: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ (اعراف/۹۶) یعنی اگر مردم ایمان و تقوی داشته باشند، ما از آسمان‌ها و زمین باب برکات را برای آنها باز می‌کنیم.

ما دنبال این هستیم که به زندگی بهتر برسیم، و در این گفتگو هم نمی‌گوییم که می‌خواهیم سراغ دین برویم؛ حتی نمی‌گوییم که "هم می‌خواهیم آخرت را داشته باشیم، هم می‌خواهیم دنیا را داشته باشیم" بحث خودمان را این‌طور پیش می‌بریم که اگر ما فقط زندگی بهتر در این دنیا را بخواهیم، چگونه باید زندگی کنیم؟ البته زندگی بهتر داشتن وعدهٔ الهی و مژدهٔ الهی برای مؤمنان است و فی‌نفسه چیز بدی نیست. اگر کسی زندگی دنیایی خودش را بهتر قرار بدهد یک راهِ خدایی را رفته است. منتها ما فعلاً از راه خدا هم نمی‌خواهیم برویم، بحث‌مان سر این است که چگونه می‌شود به زندگی دنیایی بهتر رسید؛ از هر راهی که بشود.

آیا عقلاً برای زندگی بهتر، راهی جز دین وجود دارد؟

ما وقتی می‌خواهیم به سراغ زندگی بهتر برویم، اولاً باید زندگی را تعریف کنیم و بگوییم که منظور، تعریف و تلقی ما از زندگی چیست؟ ثانیاً باید بگوییم که زندگی بهتر چیست؟ ثالثاً باید راه‌های متعدد برای

رسیدن به زندگی بهتر را جستجو کنیم تا ببینیم کدام راه بهتر است؟ و در آخر بحث‌مان می خواهیم بگوییم که عقلاً برای زندگی بهتر هیچ راهی جز دین وجود ندارد. یعنی می‌خواهیم ببینیم که آیا به این نقطه می‌رسیم یا نه؟ ما نمی‌خواهیم بگوییم که "دین در زندگی بهتر، مؤثر است" چون این را که الان روان‌شناس‌ها هم دارند می‌گویند!

الان خیلی از متکلمین که بحث‌های جدیدی به بازار آورده‌اند این را دارند می‌گویند. اینها می گویند: "اصلاً آدم باید یک کسی را پرستش کند، حتی این کسی را که می‌خواهد پرستش کند مهم نیست که وجود هم نداشته باشد! فقط کافیست یک کسی را بپرستی؛ این باعث آرامش تو در زندگی می‌شود." ما نمی‌خواهیم از این حرف‌ها بزنیم. حتی نمی‌خواهیم حرف برخی از مذهبیون را بزنیم که می گویند: "دین‌داری در زندگی هم مؤثر است و تأثیرات مثبتی دارد" ما نمی‌خواهیم این‌قدر حداقلی نگاه کنیم.

شروع دینداری از "اثبات خالق"، فشار روانی بیشتری بر آدم‌ها دارد

ما می‌خواهیم ببینیم که آیا واقعاً از راه رسیدن به زندگی بهتر می‌توانیم به ضرورت دین‌داری برسیم یا نه؟ ما معمولاً دین‌داری و دین‌شناسی خودمان را از اثبات صانع و خالق شروع می‌کنیم. از توحید و عدل شروع می‌کنیم و بعد هم به نبوت و امامت و معاد می‌رسیم و می‌گوییم: "حالا بیایید دین‌داری را شروع کنید!" این کار عیبی ندارد، این هم یک راه معقول و منطقی است، ولی فشار روانی‌اش برای آدم ها بالاست.

این آدمی که دارد زندگی‌اش را می‌کند و به زندگی علاقه دارد، ما سر راهش، در مدرسه جلویش را می‌گیریم و می‌گوییم: «صبرکن! صانعت کیست؟ خالقت کیست؟ جهان که نمی‌تواند بی‌خالق باشد!» او هم می‌گوید: «باشد؛ قبول! حالا بگذار بروم! من دارم زندگی‌ام را می‌کنم» می‌گوییم: «نه! صبر کن! این خالق حتماً حقی به گردن تو دارد...» عیبی هم ندارد، شما دارید حرف‌های منطقی می‌زنید، هرکسی هم در مدرسه این حرف‌های منطقی شما را درک کند، می‌ایستد به شما جواب مثبت می‌دهد، حرفی نیست. منتها آن‌طوری که ما می‌بینیم، مردم اکثراً مشغول زندگی‌شان هستند؛ کاری ندارند به اینکه دنیا خالق و صانع دارد، مبداء و معاد دارد یا نه؟ بیاید با این مردم هم دو کلمه حرف بزنیم.

مردم مشغول زندگی هستند و از زندگی آغاز می‌کنند، درگیری ذهنی اکثر مردم، زندگی است؛ بیایید به طرز تفکر مردم احترام بگذاریم و از همین زندگی شروع کنیم. بگوییم شما چه می‌خواهی؟ می‌گوید: من زندگی‌ام را می‌خواهم. بعد بگوییم: آیا می‌خواهی این زندگی‌ات بهتر بشود؟ یقیناً می‌گوید: بله. بعد بگویید: بیا بنشینیم و فکر کنیم که چگونه می‌توان این زندگی را بهتر کرد؟ در این صورت اگر از درونش، خدا هم در آمد، تسلیم آن خدا هم هستیم.

ما نمی‌خواهیم قیافهٔ فیلسوفانه بگیریم. ما نمی‌خواهیم به پروردگار عالم لطف کنیم و خدا را تأیید کنیم! ما دنبال زندگی‌مان هستیم و می‌خواهیم زندگی‌مان بهتر شود، این دغدغهٔ ماست. حالا برویم ببینیم چگونه

می‌توانیم زندگی‌مان را بهتر کنیم؟ شما بروید با وجدان، زندگی‌تان را درست کنید، بعد در مسیر اصلاح و بهبود زندگی ببینید آیا به خدا می‌رسید یا نه؟ ما می‌خواهیم با همین نگاه جلو برویم، مطمئن باشید ما به خدا می‌رسیم، ما به خداپرستی می‌رسیم؛ ما به معنویت و دیانت خواهیم رسید؛ البته به شرطی که در این بررسی ملاک‌مان "عقل" باشد.

سوءتفاهم‌های بسیاری در جامعهٔ ما و جامعهٔ جهانی پدید آمده که باید برطرف کنیم. رفع سوءتفاهم برای هر یک نفر، کمک به حضرت(عج) است

حالا چرا ما داریم این بحث را مطرح می‌کنیم؟ همان‌طور که جلسه قبل گفتیم، یکی از اهداف ما در این بحث "رفع سوءتفاهم" است. شما می‌دانید که آخرالزمان دوران بزرگ‌ترین امتحان‌ها و ابتلائات الهی است. در آخرالزمان وقتی غربال صورت می‌گیرد، خیلی از آدم بدها می‌آیند خوب می‌شوند، کما اینکه خیلی از آدم خوب‌ها هم خراب می‌شوند(البته منظورمان از "خیلی از آدم خوب‌ها" اکثر آدم خوب‌ها نیست) معلوم می‌شود تاحالا دکان باز کرده بودند و دین‌دارِ درست حسابی نبوده‌اند.

سوءتفاهم‌های بسیاری در جامعهٔ ما و در جامعهٔ جهانی پدید آمده است و ما در جهت رفع این سوءتفاهم‌ها داریم این بحث را انجام می‌دهیم. یکی از کارهایی که ما به عنوان منتظر، باید انجام دهیم این است که رفع سوءتفاهم کنیم. این بندگان خدا که در روی کرهٔ زمین دارند زندگی می‌کنند همه، جزء اهداف حضرت هستند و حضرت برای این‌ها ظهور خواهد کرد. شما هر نفری که سوءتفاهم او را برطرف کنی، به حضرت کمک کرده‌ای؛ هر یک نفری که برای پذیرش پیام حضرت آماده کنی، به حضرت خدمت کرده‌ای.

یکی از اقدامات ما در آخرین مراحل انتظار، رفع سوءتفاهم‌های تاریخی است. امروز رفع سوءتفاهم‌ها خیلی آسان‌تر شده

یکی از اقدامات ما در آخرین مراحل انتظار رفع سوءتفاهم تاریخی است که ابلیس از روز اول سعی کرده ایجاد کند، و موفق هم بوده است؛ و تا الان هم موفق بوده است، ولی دیگر زمینه‌های بسیار خوبی پدید آمده برای اینکه این سوءتفاهم‌ها برطرف بشود.

الحمدلله ما در لحظه‌ها و در جهانی زندگی می‌کنیم که سوءتفاهم‌ها را می‌توانیم برطرف کنیم. مثلاً الان اگر کسی بخواهد زیاد غربزده باشد، شما می‌توانید به او بگویید: "منظور شما زندگی مردم فرانسه است؛ زندگی با این سیاست‌مداران وحشی؟ یا منظورتان انگلستان یا آمریکاست؟ برو زندگی مردم‌شان را نگاه کن! آیا واقعاً همهٔ آن زندگی، مطلوب و مورد نظر شماست؟" امروز دیگر غربزدگی به آن صورت افراطی‌اش نمی‌تواند شکل داشته باشد.

الان خیلی حرف‌ها را می‌شود مطرح کرد؛ حرف‌هایی علیه همهٔ فریب‌هایی که اجازه نداده بشر دربارهٔ زندگی بهتر درست فکر کند. ما الان برای رفع سوءتفاهم خیلی کارمان آسان‌تر است. بعد یک دلائلی هم داریم از مؤمنینی که از دین استفاده کرده‌اند و زندگی خودشان را بهتر کرده‌اند، این دلائل را الان می‌توانیم بهتر بیان کنیم؛ این‌ها جزء امکانات ویژهٔ ما هستند.

هرکس در اثر سوءتفاهم، غیرمذهبی است باید بیاید این‌طرف؛ این وظیفهٔ تاریخی ماست

باید همهٔ افراد غیرمذهبی که در اثر سوءتفاهم، غیرمذهبی و غیرمتدین هستند بیایند این‌طرف؛ این وظیفهٔ تاریخی ماست. و بین مذهبی‌ها هم هرکسی که دکان باز کرده، و دارد به‌صور قلّابی دین‌داری می کند، باید برود آن‌طرف؛ ما باید به این غربال کمک کنیم و إن‌شاءالله خودمان جزء این مذهبی‌ها نباشیم. البته من نمی‌خواهم علیه مذهبی‌ها و متدینین حرف بزنم، ولی شما به همین جریان داعش در منطقه نگاه کنید؛ اینها دارند به نام دین، با هر نوع مظاهر تمدن و هر نوع عقلانیتی مخالفت می‌کنند. البته معلوم است غربی‌ها که خودشان داعشی‌ها را درست کرده‌اند، دنبال این هستند که توسط اینها چهرهٔ اسلام را زشت نشان دهند.

۵

اگر یک مذهبی «زندگی درست» نداشته باشد، در ادعایش صادق نیست

من و شما هم اگر واقعاً ادعای‌مان می‌شود که مذهبی هستیم، باید زندگی درستی داشته باشیم و الا ادعای ما درست و صادقانه نیست. مطمئناً در بین مذهبی‌ها، برخی هستند که با طرح بحث "زندگی درست" مخالفت می‌کنند؛ چون شما با این بحث می‌توانید مچ او را بگیرید و بگویید: "تو واقعاً مذهبی نیستی چون این ویژگی‌های زندگیِ درست را نداری!" بعد از اینکه ویژگی‌ها و جزئیات زندگی خوب را گفتیم، شما می‌توانید مچ برخی افراد مذهبی و نمازخوان را که زندگی درست و خوبی ندارند را بگیرید.

کسی که در اثر زندگی غلط دچار گرفتاری شود، حال مناجات هم پیدا نمی‌کند. چرا این‌قدر مجالس دعا کم است؟

شاید بحث ما در ظاهر، با احساس خوش معنوی و حال زیبا و لطیف عرفانی مورد انتظار در ماه رمضان، تناسب نداشته باشد؛ ولی از چند جهت می‌گوییم که اتفاقاً خیلی هم تناسب دارد! آن آدم‌هایی که درست زندگی می‌کنند و دغدغه‌های نابجا ندارند و دچار "مَعیشَةً ضَنْکا" نیستند، بیشتر فرصت مناجات پیدا می‌کنند. و آن کسانی که در اثر زندگی غلط، دغدغه‌های بی‌خود و اضافی برای‌شان ایجاد شده، حال مناجات و فرصت مناجات ندارند. در روایت هست که خداوند می‌فرماید: اگر از یک بنده‌ای بدم

بیاید، این‌قدر در زندگی گرفتارش می‌کنم که هرموقع به او گفتند "بیا برویم درِ خانهٔ خدا" می‌گوید دوست دارم بیایم اما وقتش را ندارم؛ گرفتارم، نمی‌توانم!

چرا در تهران ما این‌قدر مجالس دعا کم است؟ چون مردم گرفتار هستند. اما این گرفتاری برای چه پیش آمده؟ برای بی‌دینی! کسی که خوب و درست زندگی کند، خدا طوری گرفتارش نمی‌کند که فرصت عبادت پیدا نکند. البته شاید برخی هم باشند که در خانه خودشان عبادت می‌کند، ولی به هر حال مجالس و محافل دعا هم جای خود را دارند. چرا معنویت بالاتر نمی‌رود؟ برای اینکه ما درگیر زندگی هستیم؛ اما باید دید که چرا زندگی ما را زیادی درگیر کرده؟! نکند دچار "مَعیشَةً ضَنْکا" شده‌ایم!

می‌خواهیم با «عقل» راه زندگی بهتر را بیابیم، نه با مباحث «دینی»

موضوع بحث ما این است که آیا راهی برای زندگی بهتر وجود دارد؟ اصل اینکه باید به زندگی بهتر برسیم یک امر محرز است ولی آیا راهی وجود دارد؟ بله، ما می‌خواهیم به سراغ این راه برویم ولی با کمک عقل. نمی‌خواهیم زیاد دینی سخن بگوییم تا اگر یک کسی هم بود که دین را نپذیرفته بود، برایش قابل استفاده باشد. لذا ملاک ما برای اینکه ببینیم برای زندگی بهتر به چه چیزهایی نیاز داریم یک گفتگوی عاقلانه است.

در ابتدا چند روایت در تکریم عقل و در لازم و ملزوم بودن "عقل" و "دیانت" و از آن طرف "زندگی خوب" برای شما بخوانم تا ببینید که دین ما چقدر به "عقل" وابسته است. همان عقلی که بناست دنیای ما را تأمین کند، همان عقل بناست آخرت ما را هم تأمین کند.

پیامبر گرامی اسلام(ص) در حدیث شریفی می‌فرماید: تمام خوبی‌ها به واسطهٔ عقل قابل درک هستند؛ إِنَّمَا یُدْرَکُ الْخَیْرُ کُلُّهُ بِالْعَقْلِ (تحف‌العقول/۵۴) و بعد می‌فرماید: کسی که عقل نداشته باشد دین هم نخواهد داشت؛ وَ لَا دِینَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَه یعنی باید عقل ما کار کند تا به همهٔ خوبی‌ها و خیرات برسیم؛ من‌جمله دین. و بعد هم نقش دین را در بین همهٔ خوبی‌ها درک کنیم.

«ارزش‌ها» فرهنگ زبانی غلطی بود که برخی درست کردند

برخی آمدند و به غلط، یک فرهنگ زبانی‌ای درست کردند و دربارهٔ متدینین گفتند: "اینها ارزشی حرف می‌زنند" و بعد هم دربارهٔ غیرمتدینین گفتند: "اینها عقلانی حرف می‌زنند" یعنی متدینین دنبال مقدسات هستند و غیر متدینین دنبال معقولات هستند. یک چنین تفکیکی ایجاد کردند و برخی از ما متدینین هم از کلمهٔ ارزش‌ها و قداست خوش‌مان آمد و گفتیم که "بله، ما داریم از ارزش‌ها دفاع می‌کنیم!" ولی آنها منظورشان این بود که بگویند: این‌ها ارزشی می‌اندیشند؛ نه عقلانی! یعنی می‌خواهند کار دینداران را غیرعقلانی نشان دهند. در حالی که مشکل ما با آنها بر سر همین عقل است که خداوند می فرماید: أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُون (مائده/۱۰۳) اگر آنها عقل داشتند، دین‌شان هم درست می‌شد.

در روایت دیگری امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: ملاک دین عقل است؛ مِلَاکُ الدِّینِ الْعَقْل (غررالحکم/۷۰۲) یا در روایت دیگری پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: هیچ عقلی مانند دین نیست؛ لَا عَقْلَ کَالدِّین (ارشاد القلوب دیلمی/۱/۷۴). یعنی از آن‌طرف هم می‌توان نگاه کرد و گفت که دین بهترین عقل را به انسان هدیه می‌دهد.

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: دین و ادب نتیجهٔ عقل است؛ الدِّینُ وَ الْأَدَبُ نَتِیجَةُ الْعَقْل (غررالحکم/۱۶۹۳) مثلاً کسی که عقل داشته باشد، خود به خود می‌رسد به اینکه باید مؤدبانه زندگی بکند. لذا من هرجا یک آدم مؤدب می‌بینم، می‌گویم: این چقدر به درد دین می‌خورد؛ لابد عقلش به او گفته مؤدب باش، و همین عقل برای دین‌داری کافیست.

باز امیرالمؤمنین(ع) در جای دیگر می‌فرماید: إنَّما العَقلُ التَّجَنُّبُ مِنَ الإثمِ و النَّظَرُ فی العَواقِبِ و الأخذُ بِالحَزمِ (غررالحکم/۳۸۸۷) عقل همان چیزی است که انسان را از کار بد باز می‌دارد، عقل همان چیزی است که به آدم می‌گوید عاقبت و انتهای کار را هم نگاه کن و عقل همان چیزی است که انسان را محتاط می‌کند و یک احتیاط‌های به جایی به انسان می‌دهد.

ماجرای عابد بنی‌اسرائیل/خواب عاقل بهتر از عبادت بی‌عقل است

یکی از پیامبران الهی داشت از جایی عبور می‌کرد. یک عابدی را دید که خیلی عبادت قشنگی انجام می‌داد. آن پیغمبر، خیلی دلش رفت که چه بندهٔ عابد خوبی است! خداوند متعال فرمود نه عبادت های ایشان پیش من ارزش ندارد. پرسید چرا؟ خدا فرمود: چون او عقل درست حسابی ندارد. آن پیامبر برای اینکه میزان عقل آن عابد را بفهمد، رفت با آن عابد نشست و برخاست کرد و پرسید چه خبر؟ او گفت: این علف‌های بیابان را نگاه کن! واقعاً غصه می‌خورم که در تابستان سرسبز می‌شود و من می‌گویم خدایا گوسفندهایت را بفرست بیایند این علف‌ها را بخورند، ولی خدا نمی‌فرستد و این‌ها در پاییز خشک می‌شود! خدا فرمود ببین! او عقلش همین‌قدر می‌رسد؛ یعنی تمام دردش خشک شدن چندتا علف در بیابان است و جایگاهش در آخرت به همین میزان است (کَانَ یَرَی مُوسَی بْنُ عِمْرَانَ ع رَجُلًا مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ یَطُولُ سُجُودُهُ وَ یَطُولُ سُکُوتُهُ... مَا الَّذِی أَکْبَرْتَ مِنْ مَقَالَةِ عَبْدِی أَنَا أُؤَاخِذُ عِبَادِی عَلَی قَدْرِ مَا أَعْطَیْتُهُمْ مِنَ الْعَقْلِ؛ محاسن/۱/۱۹۳) و (امام صادق(ع): إِنَّ الثَّوَابَ عَلَی قَدْرِ الْعَقْلِ إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ کَانَ یَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ...فَأَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَی الْمَلَکِ إِنَّمَا أُثِیبُهُ عَلَی قَدْرِ عَقْلِهِ؛ کافی/۱/۱۲)

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: آدم عاقل عبادت نکند و بخوابد، ثوابش بیشتر است و بهتر است از اینکه یک آدم بی‌عقلی تا صبح نماز بخواند!(فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ؛ محاسن/۱/۱۹۳) ببینید خدا با این عقل چه نسبتی برقرار می‌کند، و چرا این‌قدر به عقل احترام می‌گذارد؟

باید عقلتان را پرورش دهید. یکی از کارهایی که قرآن می‌کند این است که عقل انسان را پرورش

می‌دهد؛ ماه مبارک رمضان، بهار قرآن است و خیلی سفارش شده قرآن زیاد بخوانید و این فرصت خوبی است برای اینکه عقل افزایش پیدا کند. ثمرهٔ روزه هم افزایش عقل و حکمت است، اصلاً میراث روزه حکمت است؛ حکمت یکی از لوازم یک عقل خوب و کامل است.

مراقب باش که یک وقت با یک موسیقی عرفانی نخواهی ماه رمضان خود را پشت سر بگذاری و بگویی »من با این نوای خوش عرفانی، ماه رمضان باحالی داشتم! «شما باید با پرورش عقل خودت ماه رمضان نورانی و باحالی داشته باشی. البته این منافات ندارد با اینکه نوای خوش عرفانی هم در زندگی‌ات باشد ولی بدان که اصل ماجرا کجاست؟

ما می‌خواهیم با یک ملاک عقلانی به سراغ زندگی بهتر برویم و مطمئن باشید که در طول مسیر به ضرورت دین‌داری هم خواهیم رسید. فعلاً نمی‌خواهیم دربارهٔ آخرت و قیامت و معاد صحبت کنیم؛ فعلاً می‌خواهیم ببینیم که زندگی اگر بخواهد درست شود، چگونه درست می‌شود؟ تا کسی تصور نکند که ما داریم بندگی را به زور به این زندگی تحمیل می‌کنیم! کسی بخواهد زندگی خودش را اصلاح کند باید عقلاً ببیند که واقعاً ضرورت دارد که به سراغ بندگی برود.

اگر مردم از من تبعیت می‌کردند...

وعده داده بودیم که دربارهٔ زندگی بهتر احادیثی بخوانیم. أمیرالمؤمنین علی(ع) دربارهٔ آیهٔ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ (مائده/۶۶) می‌فرماید: اگر از همان اولی که خدا پیامبر گرامی اسلام(ص) را از میان مردم برد، امت پیامبر از من تبعیت و اطاعت می‌کردند زندگی‌شان طوری می‌شد که از آسمان و زمین همین‌طور نعمت برای‌شان می‌ریخت. و این مردم، سعهٔ در عیش و یک زندگی خوش و خرّم پیدا می‌کردند؛ تا روز قیامت، نه اینکه موقتاً؛ وَ لَوْ أَنَّ الْأُمَّةَ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ اتَّبَعُونِي وَ أَطَاعُونِي لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ رَغَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (کتاب سلیم بن قیس/۲/۶۵۸)

حالا یکی از دلائل سینه‌زنی همهٔ سینه‌زن‌ها را ببینید! ببینید که بشریت از چه چیزی محروم شده است؟ این کلام امیرالمؤمنین(ع) یک نگاه کلان به این موضوع بود. نگاه خردتر و جزئی‌تری هم در این روایت هست که امام صادق(ع) با ذکر همین آیه می‌فرماید: اگر شیعیان ما استقامت ورزند، مقاومت و پایداری کنند، ملائکه با آنها مصافحه می‌کردند، زندگی‌شان نورانی می‌شد، زندگی‌شان خوش و خرم می شد، از آسمان و زمین برکات برایشان نازل می‌شد و کارشان به جایی می‌رسید که هر چیزی می‌خواستند خدا به آنها می‌داد؛ يَا ابْنَ جُنْدَبٍ لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحَتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ لَأَظَلَّهُمُ الْغَمَامُ وَ لَأَشْرَقُوا نَهَاراً وَ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لَمَا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُم (تحف‌العقول/۳۰۲)

اما راه رسیدن به این زندگی خوبی که امام صادق(ع)–در روایت فوق–می‌فرماید، چه بوده که ما نرفتیم؟ ما که دعای ندبه می‌خوانیم، پس از ظهور زیر سایهٔ حضرت بخواهیم زندگی کنیم، آیا زندگی جز این است؟ آیا ما انقلاب نکرده‌ایم که به این‌جا برسیم؟ ما جمهوری اسلامی راه انداختیم که فقط نماز

بخوانیم؟ ضمن اینکه نماز هم درست نخوانده‌ایم؛ چون زندگی‌مان درست نیست. کما اینکه وقتی به بعضی‌ها می‌گویند که چرا نماز نمی‌خوانی؟ می‌گوید: گرفتار هستم.

ما باید پای زندگیِ درست بایستیم.کسانی که ماه رمضان به عبادت می‌پردازند کمی هم به زندگی بپردازند

ما باید پای زندگیِ درست، بایستیم و بجنگیم. و الا اگر بخواهیم تنهایی به خدا برسیم و با عالم کاری نداشته باشیم، می‌رویم یک گوشه عبادت‌مان را می‌کنیم و با دیگران هم کاری نداریم!
کسانی که ماه رمضان به عبادت می‌پردازند یک مقدار هم به زندگی بپردازند! یک کمی هم به فکر زندگی باشند! یک مقدار برای بدست آوردن زندگی خوبی که خدا برای مؤمنین ارزانی کرده، بجنگند. البته فرعون‌ها مانع هستند، رذل‌ها و پست‌فطرت‌ها در عالم مانع هستند که باید آن‌ها را بینی‌شان را به خاک مالید، فقط باید نابودشان کرد!

دین مدعی زندگی بهتر است؛ زندگی سرشار از گرفتاری، نشانهٔ ایثار، زهد و خداپرستی نیست

ما مدعیِ زندگی هستیم؛ آن‌وقت در مقابل ما، کسانی می‌آیند و از زندگی حرف می‌زنند! معلوم می‌شود که ما تا حالا درست حرف نمی‌زدیم و برای بعضی‌ها سوءتفاهم شده است. ما باید به این زندگی‌ای که در قرآن فرمود برسیم: لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ؛ ما باید این زندگی را داشته باشیم. خدا این را از ما می‌خواهد که ما باید زندگی خودمان را به این‌جا برسانیم.

دینداری بدون رسیدگی به زندگی، خودفریبی است

اینکه یک زندگی سرشار از گرفتاری داشته باشیم، نشانهٔ ایثار و زهد و فداکاری و خداپرستی و اخلاص نیست. باید دید چه چیزی و چه کسانی مانع یک زندگی خوب و درست برای ما هستند؟ این زندگی مال ماست؛ ما باید به این زندگی برسیم. ما اگر داریم دین‌داری می‌کنیم ولی به این زندگی نمی‌رسیم داریم خودمان را فریب می‌دهیم؛ این دین‌داری نیست.

شنیدن صوت این سخنرانی را از دست ندهید

می توانید از این آدرس دانلود کنید : jozveh88.blog.ir/post/51

تنها مسیر برای زندگی بهتر

زندگی سرشار از گرفتاری، نشانهٔ ایثار و خداپرستی نیست. متدینین بیش از دیگران باید به دنبال زندگی بهتر باشند. می‌خواهیم با "عقل" راه زندگی بهتر را بیابیم، نه با مباحث "دینی" .خواب عاقل بهتر از عبادت بی‌عقل است. کسی که در اثر زندگی غلط دچار گرفتاری شود، حال مناجات هم پیدا نمی‌کند.

مرکز جزوه : تولید وتوزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی

jozveh88.blog.ir

فروش : وارثین . دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد لب خندق، تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴